

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

قرارداد شرم‌الشیخ: پیشینه‌ها و چشم‌اندازها

پس از فروپاشی دنیای دوقطبی در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به منصفی ظهور رسیدند.

۱. راه‌هایی که به انعقاد قرارداد شرح‌الشیخ منتهی شدند:

ریشه‌های توافق شرم‌الشیخ را باید از سال‌های ۹۱-۱۹۹۰ و در جریان بحران خلیج فارس و در پی حمله‌ی عراق به کویت در ۲ اوت ۱۹۹۰، جست‌وجو کرد. به دنبال ادعاهای عراق که خارج کردن نیروهای خود را از کویت با خروج نیروهای اسراییلی از مناطق اشغالی اعراب و خروج نیروهای سوریه از لبنان مرتبط کرده بود، امریکا هم از یک سو برای جلب حمایت شوروی از اقدام نیروهای چندملیتی علیه عراق و از سوی دیگر برای نشان دادن موضع همدردی نسبت به سرزمین‌های اشغال شده در کل منطقه، پذیرفت که قدرت‌های بزرگ

این نوشتار مختصر توافق اخیر میان اسراییل و فلسطینی‌ها، موسوم به توافق شرم‌الشیخ را از نظرهای زیر مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. راه‌هایی که به انعقاد این موافقتنامه

منتهی شدند.

۲. مفاد عمومی موافقتنامه‌ی مذکور

و ارزیابی برخی از آنها

۳. جایگاه این توافقنامه در تحولات

منطقه‌ی خاورمیانه

۴. آثار این توافقنامه بر روی روابط

خارجی اسراییل در آینده‌ی نزدیک

استدلال می‌شود که توافق شرم‌الشیخ

دنباله‌ی خط‌مشی اسراییلی‌ها، در راستای

مذاکرات صلح اسلو و تلاشی جهت وفق دادن

خود با شرایط سیاسی، نظامی، راهبردی و

فرهنگی جدید در عرصه‌ی بین‌الملل است که

انتشار «اعلامیه‌ی اصول خودگردانی فلسطینی‌ها در سرزمین‌های اشغالی» شد. به موجب این اعلامیه:

الف) فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها یک‌دیگر را به رسمیت شناختند.

ب) یک جدول زمانی برای عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی تعیین گردید و مقرر شد که حل و رفع دائمی مسأله‌ی فلسطین تا دسامبر ۱۹۹۸ کامل گردد. در واقع دسامبر ۱۹۹۸ (تقریباً دو سال قبل) آخرین مهلت برای حل و رفع مسأله‌ی فلسطین تعیین شد.

پ) از ۱۳ اکتبر ۱۹۹۳، مقام‌های فلسطینی مسؤولیت امور مربوط به آموزش و پرورش، فرهنگ و بهداشت، تأمین اجتماعی، مالیات‌گیری مستقیم و جهانگردی را در نوار غزه و منطقه‌ی اریحا در ساحل غربی را بر عهده گرفتند. از ۱۳ دسامبر ۱۹۹۳ تشکیلات خودگردان فلسطینی به طور رسمی وارد دوره‌ی انتقالی خود شد. (۱)

قرارداد اسلو «ب»

در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۵ میان مقام‌های اسرائیلی و تشکیلات ملی فلسطینی یک

دیگر هم در روند حل درگیری‌هایی اعراب و اسرائیل به موازات واشنگتن شرکت داشته باشند. در راستای چنین پذیرشی، نشست‌هایی از قدرت‌های ذی‌ربط در کشمکش اعراب و اسرائیل و نیز شوروی (بعداً فدراسیون روسیه) در مادرید اسپانیا و مسکو برگزار شد که اگرچه دست‌کم این نتیجه را داشت که روند حل کشمکش اعراب و اسرائیل را بین‌المللی کند، اما در ارتباط با پایان دادن کشمکش میان فلسطینی‌ها، سوری‌ها و اسرائیل نتایج ملموسی به بار نیاورد. در واقع، پس از چندی روند صلح مجدداً شکل دوجانبه‌ی سابق خود را با پا در میانی امریکا پیدا کرد.

«اعلامیه‌ی اصول خودگردانی فلسطینی‌ها در سرزمین‌های اشغالی»، اعلامیه‌ی اسلو

با وجود این، هنگامی که مذاکرات دوجانبه، میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها در ۳۱ اوت ۱۹۹۳ در شهر واشنگتن در جریان بود تحولی در مذاکرات صلح میان آن دو به وقوع پیوست که نقطه‌ی عطفی برای تحولات بعدی در روابط فیما بین شد. این رخداد که همانا انجام مذاکرات متعدد محرمانه میان مقام‌های اسرائیلی و فلسطینی با وساطت دیپلمات‌های نروژی در پایتخت این کشور بود، منجر به

نخست وزیر اسرائیل و یاسر عرفات رئیس تشکیلات خودگردان در پی یک هفته مذاکره و چانه‌زدن در امریکا موافقتنامه‌ی وای را امضا کردند. این موافقتنامه:

الف) یک جدول زمانی سه ماه جهت پیاده کردن قرارداد (اسلو «ب») مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۵ را تعیین کرد.

ب) شروع «گفت‌وگوها برای نهایی کردن وضعیت فرآیند صلح» را اعلام نمود. بیشتر قرار بود این گفت‌وگو در ماه مه ۱۹۹۶ آغاز شود.

پ) اسرائیل قبول کرد که نیروهای خود از ۱۳/۱ درصد دیگر اراضی ساحل غربی رود اردن عقب‌کشاند.

در مقابل، فلسطینی‌ها موافقت کردند که:

الف) اقدام‌های امنیتی خود را علیه تروریسم در ساحل غربی و نوار غزه تشدید کنند.

ب) منشور ملی فلسطینی‌های را تصحیح کنند.

قرار بود از ماه نوامبر همان سال (۱۹۹۸) مفاد توافق فوق پیاده‌گردد، (۳) اما کارشکنی‌های زیاد از سوی حکومت بنیامین

موافقتنامه‌ی میانه یا توافق میان راه^۱ منعقد شد که به موجب آن مناطق خودگردانی فلسطینی در ساحل غربی گسترش می‌یافتند. در این قرارداد مقرر شد که:

الف) ظرف شش ماه حکومت ملی فلسطینی فراتر از نوار غزه و اریحا رود و شش شهر کوچک ولی عمده‌ی ساحل غربی را شامل شود. از جمله این شهرها الخلیل (هبرون) بود که اسرائیل مانع از اعمال قدرت کامل فلسطینی‌ها بر این شهر شد.

ب) در پایان سال ۱۹۹۷، تشکیلات ملی فلسطینی بر بیشترین اراضی اشغالی واقع در ساحل غربی که در جریان جنگ شش روزه‌ی اعراب و اسرائیل به تصرف اسرائیل در آمده بود حاکمیت داشته باشد. (۲)

با وجود این به دلایل متعددی و از جمله ترور اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل به دست یک جوان یهودی و دانشجوی دانشگاه شعیب در نیویورک امریکا، انتخابات اسرائیل و روی کار آمدن بنیامین نتانیاهو از حزب لیکود، پیاده شدن مفاد قرارداد فوق در عمل متوقف شد.

قرارداد وای

در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۸ بنیامین نتانیاهو

نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل مانع عمده‌ی بر سر راه آن قرار داشت.

۲. قرارداد شرم‌الشیخ

قرارداد شرم‌الشیخ که در واقع باید آن را اصلاح توافقنامه‌ی مرلند یا توافق‌نامه‌ی وای نام نهاد، دنباله‌ی قراردادهای قبلی صلح میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌هاست. اصول کلی این قرارداد به شرح زیر هستند:

الف) خروج اسرائیل از ۱۱٪ دیگر سرزمین‌های اشغالی

عقب‌نشینی اسرائیل قرار است در سه مرحله صورت گیرد:

مرحله‌ی اول، ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۹ به میزان ۷٪

مرحله‌ی دوم، ۱۵ نوامبر ۱۹۹۹ به میزان ۳٪

مرحله‌ی سوم که در ضمن مرحله‌ی آخر عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی تحت این قرارداد است از ۲۰ ژانویه ۱۹۹۹ و به میزان ۱٪ شروع می‌شود.

ب) هدف قرار داده شرم‌الشیخ در واقع اجرای قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل است. قرارداد باید به حل نهایی مسأله‌ی اسرائیل و فلسطینی‌ها منجر شود.

پ) احداث بندرگاه برای فلسطینی‌ها توسط اسرائیل که از اول اکتبر سال جاری شروع می‌شود.

ت) ایجاد گذرگاه امن برای عبور فلسطینی‌ها از نوار غزه و شهر الخلیل (هیرون) ث) قرار شده است، اسرائیل ۳۵۰ زندانی فلسطینی را آزاد کند. قرار است در مرحله‌ی اول ۲۰۰ نفر و در مرحله‌ی دوم که چهل و پنج روز بعد از مرحله‌ی اول صورت می‌گیرد، ۱۵۰ نفر دیگر آزاد شوند.

ج) طرفین اسرائیلی و فلسطینی متعهد شده‌اند که از دست زدن به اقدام‌های یک‌جانبه علیه یک‌دیگر خودداری کنند. (۴)

ارزیابی برخی از مفاد قرارداد شرم‌الشیخ

در قرارداد شرم‌الشیخ یک موضوع بسیار چشمگیر است و آن امتیازهای نسبتاً زیادتری است که در مقایسه با دست‌آوردهای اسرائیل، به ظاهر به فلسطینی‌ها داده شده است. در واقع، اگر از تعداد بیشتر زندانی‌ها که باید آزاد می‌گشتند و یا از میزان زمین‌های بیشتری که باید تخلیه می‌گشتند به خاطر این که در آینده امکان جبران آنها وجود دارد، صرف‌نظر کنیم و فقط آزاد کردن زندانی‌ها و عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی را به عنوان دو بند قرارداد به نفع

سوی دیگر، نخست وزیر اسرائیل از طریق این قرارداد می‌خواهد، نقطه ضعف‌های امنیتی برای کشور خود را که در قراردادهای قبلی وجود داشت، کاهش دهد. در واقع، باراک با قرارداد مذکور دوکار را در یک زمان انجام دهد: از یک طرف منافع و دست‌آورد‌های امنیتی، سیاسی و حتی اقتصادی اسرائیل را «حداکثر» کند و از طرف دیگر زیان‌های وارده بر این کشور را به خاطر عقب‌نشینی نیروها و شکل‌گیری حکومت فلسطینی‌ها به «حداقل» برساند. باراک در واقع در ارتباط با قرارداد شرم‌الشیخ از راهبرد مینی‌ماکس^۱ دنباله‌روی می‌کند، کاستن زیان‌ها و افزایش سودها.

اسرائیل با انعقاد قرارداد شرم‌الشیخ شماری از اهداف سیاست خارجی خود را به تحقق نزدیک‌تر ساخته است، اهدافی از قبیل:

۱. ایجاد صلح در روابط اسرائیل با کشورهای منطقه

۲. تحت یک رژیم قانونمند در آوردن روابط تل‌آویو و فلسطینی‌ها و مطرح کردن مصر، اردن و آمریکا به عنوان دولت‌های شاهد قرارداد صلح خود با آنان

۳. اسرائیل هم‌چنین امیدوار است که با ایجاد صلح، نیاز طرف‌های درگیر به دنباله‌روی

فلسطینی‌ها در نظر بگیریم در آن صورت می‌توان گفت، همه‌ی بندهای قرارداد به جز بند آخر (آن هم فقط نسبی از آن) در راستای منافع و امتیازهای فلسطینی‌هاست.

در واقع، در این قرارداد اصل تساوی تعداد امتیازها و بده و بستان‌های میان طرفین، به صورت ظاهر، رعایت نشده است. با وجود این، همان «نیم‌بند» آخر قرارداد شرم‌الشیخ سرنوشت کل قرارداد و صلح اسرائیل و فلسطینی‌ها را تعیین می‌کند. از بند «ج» قرارداد مذکور این چنین استنباط می‌شود که فلسطینی‌ها نمی‌توانند به این زودی دولت مستقل فلسطین را تشکیل دهند و آن را اعلام کنند. از این گذشته، در پرتو قرارداد شرم‌الشیخ فلسطینی‌ها نمی‌توانند در زمینه‌های سیاست خارجی، دفاعی و اقتصادی خود مواضعی را دنبال کنند و خط‌مشی‌هایی را پی‌گیری کنند که خوش آیند تل‌آویو نباشد، زیرا اسرائیل در آن صورت می‌تواند آن مواضع و خط‌مشی‌ها را ناقض بند ج قلمداد کند.

قرارداد شرم‌الشیخ از یک سو نشانگر علاقه‌ی ایهود باراک نخست وزیر جدید اسرائیل برای احیای روند مذاکرات صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیل است که از نظر سیاسی و بین‌المللی در راستای منافع تل‌آویو می‌باشد و از

1. Mini Max

سالم بین اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین به صورت یک سند منطقه‌یی تبدیل کرد که نقض آن به چالش طلبیدن مشترک مصر و اردن و البته، امریکا هم باشد.

ثانیاً، قرارداد را استحکام منطقه‌یی بخشید. به این معنی که قرارداد صلح اسرائیل-فلسطینی‌ها نه صرفاً کار «پنگه‌ی دنیا» و آسیب‌پذیر در برابر بسیاری از تمایلات منطقه‌یی بلکه محصول خود منطقه باشد که نقض آن یا بی‌اعتنایی به آن مشکل‌تر باشد.

ثالثاً، دولت‌های مصر و اردن (با جمعیت اکثرأ فلسطینی تبار خود) را به صورت قدرت‌های «پدرخوانده» قرارداد و مهارکننده‌ی فلسطینی‌ها درآورد. این که کشور آینده‌ی فلسطینی شکل‌گیری خود را ناشی از توافق‌های مصر و اردن و نه برعکس، بداند و در صورت نقض قرارداد یا تهدید امنیت، اسرائیل خود را در برابر آن دو کشور مسؤول ببیند. به عبارت دیگر، قرارداد شرم‌الشیخ، یک قرارداد امنیتی برای اسرائیل است اما در عین حال یک سند و منظومه‌ی وابستگی متقابل را میان اسرائیل، فلسطینی‌ها، مصر، اردن و امریکا ایجاد کرده است. در مورد مساعی باراک برای بیرون آوردن قرارداد از هویت صرفاً امریکایی آن و دادن هویت منطقه‌یی به آن، نخست وزیر اسرائیل در

از راه‌های مبتنی بر کشمکش کاهش یابد. در عمل، رهبران اسرائیل ممکن است در گفت‌وگوهای آینده خود با دولتمردان کشورهای مختلف از قرارداد صلح شرم‌الشیخ به عنوان وسیله‌یی برای ترویج کاهش دادن صدور تسلیحات به سوی فلسطینی‌ها بهره‌برداری کنند. اسرائیلی‌ها از توافق صلح مذکور از یک طرف، امنیت سیاسی و اجتماعی و حفظ موقعیت و توانایی خود را دنبال می‌کنند و از سوی دیگر آرامش میان فلسطینی‌ها به خصوص در منطقه و به طور کلی کاهش ترافیک تسلیحاتی را انتظار می‌کشند.

جایگاه قرارداد شرم‌الشیخ در تحولات منطقه‌یی

اقدام باراک به انتقال دادن پایگاه و مکان عقد قرارداد صلح اسرائیل فلسطینی از مریلند امریکا به شرم‌الشیخ و دخالت دادن دولت‌های مصر و اردن به عنوان دولت‌های ناظر عقد قرارداد، نشانگر وجود این تفکر در نخست وزیر جدید اسرائیل است که:

اولاً، پای مصر و اردن را در قرارداد وارد کند و آن دو کشور را در روند صلح اسرائیل-فلسطینی‌ها صاحب منافع نماید. اسرائیل به این ترتیب قرار داد شرم‌الشیخ را از حالت یک سند

مناسبات اسرائیل با همسایگان و سایر کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه زودتر از موعد برای این کشور میوه داد. زمانی کوتاه پس از انعقاد توافقنامه‌ی شرم‌الشیخ، کشورهای مراکش، موریتانی، سلطان‌نشین عمان و قطر اعلام کردند که به دنبال صلح اسرائیل و فلسطینی‌ها مناسبات خود را با تل‌آویو از سر خواهند گرفت. این کشورها قبلاً با اسرائیل روابط دیپلماتیک داشتند، اما در دوره‌ی نخست‌وزیری بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر سابق اسرائیل و توقف روند صلح خاورمیانه، مناسبات خود را با تل‌آویو به حال تعلیق در آورده بودند. در میان کشورهای فوق، مراکش اولین کشور و شاید مهم‌ترین آنها باشد که حتی قبل از انعقاد رسمی قرارداد صلح شرم‌الشیخ از تحول مزبور به گرمی استقبال و ابراز آمادگی کرد که مناسبات رباط- تل‌آویو از سرگرفته شود. قرار شده است دیوید لوی وزیر امور خارجه‌ی مراکشی تبار اسرائیل موضوع تجدید مناسبات میان دو کشور و گسترش بیشتر آن را با مقام‌های رباط پی‌گیری کند.

از سوی دیگر، عربستان سعودی هم از توافق شرم‌الشیخ پشتیبانی و طرف‌های امضا کننده را مورد تحسین قرار داد. مصر و اردن هم

اولین سفر خود به واشنگتن پس از پیروزی در انتخابات دست به اقدام‌های زیر زد:

الف) از بیل کلینتون رییس جمهوری این کشور قول گرفت که امریکا به جای «نیروی محرکه» فقط نقش «حامی» و «ناظر» را در عقد قرارداد داشته باشد.

ب) از مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه‌ی امریکا، خواست که در فرایند صلح اسرائیل - فلسطین به قرارداد «وای» تأکید نکند و ابتکار عمل را در دست او بگذارد.

باراک هم چنین از آلبرایت خواست که در ماه اوت به منطقه نیاید و در واقع دنباله‌روی تل‌آویو از خط‌مشی‌های خاورمیانه‌ی امریکا را وابسته به قبول موارد فوق از سوی واشنگتن نمود.^(۵) البته از هنگام روی کارآمدن باراک، امریکا همواره ابراز امیدواری کرده بود که در مذاکرات آینده‌ی اسرائیل و اعراب فقط نقش پشتیبانی^۱ و نه رهبری را داشته باشد.^(۶)

آثار این توافقنامه بر روی روابط خارجی اسرائیل

توافقنامه‌ی شرم‌الشیخ بر مناسبات منطقه‌ی اسرائیل آثاری سریع از خود برجای گذاشت و در واقع، طرح باراک برای احیای گفت‌وگوهای صلح جهت ایجاد گشایش در

1. Supporting actor

به همین خاطر همواره مورد علاقه‌ی فلسطینی‌ها بوده است، وضعیت استتباط مشترک از تهدید فلسطینی‌ها را به وجود آورد که بستری با ثبات برای هم راستا شدن سیاست خارجی و امنیتی دو کشور فراهم خواهد آورد.

مسایل و مشکلات موجود بر سر راه قرارداد شرم‌الشیخ

هرچند هنوز بسیار زود است که درباره‌ی سرنوشت قرارداد شرم‌الشیخ قضاوت معقولی صورت گیرد، ولی می‌توان مسایل و مشکلاتی را که بر سر راه این توافقنامه وجود دارد به صورت زیر برشمرد:

در توافقنامه‌ی شرم‌الشیخ حرکت واقعاً جدیدی در راستای صلح صورت نگرفته است بلکه فقط مقدماتی برای ورود به مرحله‌ی نهایی مذاکرات صلح فراهم شده است. با این حال در این مقدمات هم بسیاری از مسایل و مشکلات گذشته سر جای خود باقی هستند و هیچ امیدی هم به حل و رفع آنها نمی‌رود. از جمله این مسایل و مشکلات می‌توان به شهر فلسطین یا قدس اشاره کرد که اسرائیلی‌ها حاکمیتی برای فلسطینی‌ها در آن قایل نیستند. هم چنین موضوع‌های بازگشت آوارگان فلسطینی، شهرک‌های فلسطینی و ساختار سیاسی آینده‌ی

به عنوان دولت‌های عضو کنسرسیوم صلح شرم‌الشیخ از اقدام‌های فلسطینی‌ها و رهبران اسرائیلی حمایت کردند و دولت اردن با بستن دفاتر حماس - گروه مخالف صلح فلسطین و اسرائیل - در خاک خود و درخواست از گروه مزبور برای انتقال دادن مراکز خود از اردن به جاهای دیگر، پشتیبانی از قرارداد را از حرف به عمل تبدیل کرد.^(۷) پس از یک هفته که از عقد قرارداد شرم‌الشیخ می‌گذشت، دولت کویت هم به صف پشتیبانی‌کنندگان از آن پیوست و ضمن ابراز امیدواری برای گسترش هرچه بیشتر مذاکرات صلح میان اسرائیل و همسایگان خود، گروه حماس را به خاطر مخالفت با روند صلح مورد حمله‌ی شدید قرار داد.^(۸)

تازه‌ترین دست‌آورد اسرائیل از گسترش مناسبات با همسایگان عرب خود که در نتیجه‌ی قرارداد شرم‌الشیخ حاصل شده به انجام رسیدن مذاکرات اسرائیل و اردن برای احداث فرودگاه مشترکی در منطقه‌ی مرزی بین دو کشور در ۱۴ اوت ۱۹۹۹ بود. قرار است ساختمان این فرودگاه به زودی شروع شود.^(۹) به این ترتیب، اردن اولین کشور عربی است که با اسرائیل وارد نوعی همکاری می‌شود. می‌توان حدس زد که اسرائیل امیدوار است که در روابط خود با اردن، کشوری که بیشتر جمعیت آن فلسطینی تبارند و

نهایی منجر می‌شود.

۲. قرارداد شرم‌الشیخ به یک قرارداد میانه دیگر برای یک مدت طولانی تبدیل می‌شود، یعنی علت وجودی قرارداد شرم‌الشیخ از بین می‌رود.

۳. اصلاً توافقی صورت نمی‌گیرد. (۱۱)

با توجه به این اظهارات رهبران اسرائیلی، به آسانی می‌توان چشم‌انداز آینده‌ی قرارداد شرم‌الشیخ هم چون قراردادهای قبل از آن را پیش‌بینی کرد. البته این قرارداد اگر برای اعراب سودی در بر نداشت ولی برای اسرائیلی‌ها نتیجه‌ی نیکو داد: قرارداد شرم‌الشیخ، شرم آن دسته از دولت‌های عربی را که می‌خواستند با اسرائیل رابطه برقرار کنند ولی به خاطر ملاحظه‌ی فلسطینی‌ها نمی‌توانستند، ریخت.

دکتر پرویز امام‌زاده‌فرد

تشکیلات فلسطینی - هیچ کدام از این مسایل روشن نشده است. در واقع می‌توان گفت دیوید لوی وزیر امور خارجه‌ی اسرائیل طی سخنانی که در جلسه‌ی گفت‌وگو برای تعیین چارچوب مذاکرات نهایی در ۱۴ اوت ۱۹۹۹ ایراد کرد، تقریباً هر آنچه را که قرار داد شرم‌الشیخ رشته بود، پنبه کرد. وی در سخنرانی خود گفت:

۱. «اسرائیل به سرزهای قبل از ۱۹۶۷

باز نمی‌گردد.»

۲. «اورشلیم (قدس) را پایتخت

جاودانه‌ی خود می‌داند.»

۳. «شهرک‌های اسرائیلی‌نشین در

مناطق فلسطینی را بر نمی‌چیند.»

۴. «ارتش بیگانه را در کرانه باختری

رود اردن تحمل نخواهد کرد.»

۵. «اسرائیل نمی‌تواند بپذیرد از تربیون

اعراب مورد تهدید و اعراب قرار گیرد.» (۱۰)

با این حال با توجه به مسایل و

مشکلات فوق، باراک نخست وزیر اسرائیل در

جدیدترین اظهار نظر خود پیرامون قرارداد

شرم‌الشیخ به طور تلویحی احتمال موفقیت آن

را از پنجاه درصد پایین‌تر خواند. وی در این

زمینه اظهار داشت در روند مذاکرات اسرائیل و

فلسطینی‌ها سه احتمال وجود دارد:

۱. وضعیت کنونی به مذاکرات کامل و

منابع:

1. The Middle East and North African 1994, 40 th, Edition, p. 497.
2. Keesing's Record of World Events, Sep. 1995, p. 40748-9.
3. Ibid., Oct. 1998, p. 42583.

۴. خبرگزاری‌ها، ۷ سپتامبر ۱۹۹۹.

۵. همان.

6. "Just a Supporting role, Please", The Economist (July 17th 1999), p. 46.

۷. خبرگزاری‌ها، ۱۰-۸ سپتامبر ۱۹۹۹.

۸. خبرگزاری‌ها، ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۹.

۹. خبرگزاری‌ها، ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۹.

۱۰. همان.

۱۱. همان.



شُرُوبِ شَکَاةِ عِلْمِ انْشَانِیِّ وَ مَطَالَعَاتِ فَرْهَنَیِّ
پرتال جامع علوم انسانی